

تقدم در سلام کردن در بیان امام حسین (ع)



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدی
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

در روزهای آتی، میلاد باسعادت امام حسین (ع) را پیش رو داریم. به این مناسبت فرخنده به شرح و سبست یکی از توصیه‌های ایشان می‌پردازیم؛ آغازگری و پیش دستی در سلام کردن چه پاداشی دارد؟ یکی از آداب اسلامی سلام، زمان ملاقات و رسیدن و رویارویی با دیگری است. در آموزه‌های اخلاقی اسلام سلام کردن نشانه تواضع به‌شمار آمده است. سلام احترام به دیگری است و مایه افزایش محبت و صمیمیت است. سلام درخواست ایمنی برای مخاطب و نشانه صلح است. سلام، ظرف تقاضای سلامتی و تندرستی برای انسان هاست. سلام یکی از نام‌های خداست. (سوره حشر، آیه ۲۳) سلام تحیت اهل بهشت است. (سوره یونس، آیه ۱۰). سلام سنت نبوی و اهل بیت (ع) است. آنچه در سلام مهم است «تقدم» در سلام کردن و پیش‌دستی در سلام کردن است. امام حسین (ع) در این ارتباط فرموده‌اند: لِلشَّامِ سَبْعُونَ خَسَنَةً، تَسْعُ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِئِ ؕ وواحدۀ لِّلرَّادِ یعنی برای سلام هفتاد حسنه و ثواب و پاداش نیک است شصت و نه حسنه برای آغازگر و سلام کننده است و یک حسنه برای پاسخ‌گوست. (تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ص ۲۴۸) (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰) (مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۷)

با اینکه سلام کردن مستحب و پاسخ‌دادن واجب است اما پاداش سلام کننده به‌مراتب بیشتر از کسی است که جواب می‌دهد. براساس این بیان اباعباد... الحسین (ع)، اصل سلام دارای حسنه است. سلام کار نیک و پسندیده و جمیل و بارزش است. سلام کردن و پاسخ‌دادن سراسر دارای حسنه است. در این میان پاداش برتر از کسی است که آغاز به سلام کند. سلام کردن علامت ضعف یا کوچکی نیست. آغازگری در سلام امتیاز بزرگی است و نشانه شخصیت و بزرگواری انسان است و شصت و نه برابر پاسخگویی ارزش دارد. این پاداش بزرگ برای پیش‌دستی در سلام، عامل ترویج سلام در جامعه و تشویق انسان‌ها بر سلام کردن است.

انسان با سلام کردن برای مخاطب خویش، پاکی و رهایی از عیب و عافیت جسمی و روحی را از خداوند درخواست می‌کند. کوتاهی در سلام کردن موجب محروم شدن از پاداش تقدم در سلام می‌شود. سلام یک اصل اخلاقی در آداب معاشرت در جامعه اسلامی است و باعث نشاط و شادابی و شادمانی است. در جامعه‌ای که افراد در پیش‌گامی در سلام کردن مسابقه می‌دهند، حسنات و برکات الهی فراگیر می‌شود. رواج سلام در اجتماع عامل بهبودی روابط اجتماعی و کاهش درگیری‌ها و خشونت می‌شود. سلام دشمنی‌ها و کینه‌ها و ناراحتی‌ها را می‌زداید و روابط بین مسلمانان را سالم می‌کند. با سلام کردن، قهرها و قطع رحم‌ها به آشتی و صلح‌رحم تبدیل می‌شود.

کتاب وفا

می‌گویند حکیمی به شخصی که حکایت‌ها و داستان‌های زندگی دیگران را می‌نوشت، گفت: به جای آنکه از دیگران حکایت کنی، طوری زندگی کن که دیگران از تو حکایت کنند. حضرت ابوالفضل (ع) از شخصیت‌هایی هستند که مقام و منزلتی داشتند و رفتار و کردارشان عالم گیر شد و تک تک صحنه‌هایی که از زندگی ایشان نقل شده‌است، تحسین تحسین کنندگان را برانگیخته است. بی‌آنکه کتابی نوشته باشند، کتاب زندگی را آن گونه رقم زدند که تا آخر تاریخ از ایشان به نیکی یاد خواهد شد. این درس بزرگی است که از بزرگ علمدار کریلا باید بگیریم. همه ما در زندگی فرصت‌هایی داریم که می‌توانیم نشان دهیم چه در چننه داریم و سطح فکر و فرهنگ ما تا کجاست. باید خود را آن گونه بسازیم که در این فرصت‌های زندگی، بتوانیم بهترین عملکرد را داشته باشیم و از امتحان‌های زندگی سربلند بیرون بیاییم. چنانچه درباره حضرت ابوالفضل (ع) در ماجرای کریلا آورده‌اند که از طرف شمر برای ایشان و فرزندانشان امان‌نامه آورده شد که بتوانند بروند و به زندگی عادی خودشان بپردازند، اما حضرت نپذیرفتند،

چرا که امان و آسایشی را در زندگی بدون امام خود نمی‌دیدند، حتی اگر قرار باشد زیر تیغ جفای کوفیان بروند! و بخش‌های دیگر از رفتارهای ایشان در ماجرای کریلا که کتاب‌هایی توان دربارۀ آن نوشت و سرفصل‌های توان از معرفت و انسانیت در شأن این رفتار گشود که در این نوشتار مجال پرداختن به آن نیست. احادیثی از پیشوایان دین هم وجود دارد که شخصیت حضرت ابوالفضل (ع) را می‌ستایند و ویژگی‌های شخصیتی ایشان را بیان می‌کنند، رئیس مذهب، امام صادق (ع)، درباره ایشان می‌فرماید: کَانَ عَفْناً الْغَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ ضَلَبَ الْإِيمَانُ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبْلَى نِزَاءَ خُسْنًا وَمَضَى شَهِيدًا. (عمدة الطالب، ص ۳۵۶) عموی ما، عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بودند، همراه با امام حسین (ع) جهاد کردند و نیک آزمایش دادند و به شهادت رسیدند. آری، همین ایمان عمیق و قوه شناخت و بصیرتی که از آن سرمنشأ می‌گیرد، بزرگ‌ترین عامل برای رفتارهایی است که می‌تواند حکایت‌ها بسازد و کتاب‌ها رقم بزند. رفتارهایی که از حضرت ابوالفضل (ع) نقل شده است، نشان از همین بینش عمیق و معرفت متصل به سرچشمه ولایت دارد که می‌تواند زندگی انسان را هر چند به ظاهر کوتاه، الگوی انسان‌ها تا ابد کند. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که رسیدن به این ایمان و بصیرت را تا جایی که در شأن چون مایی است، روزی‌مان کند تا ما نیز بتوانیم در کتاب زندگی خود به پیروی از این بزرگان، صفحاتی جاوید را رقم بزنیم. ان‌شاء...

منتظران موعود(عج)

در شمار ویژگی‌های منتظران برای ظهور امام عصر (عج) یکی دیگر از مواردی که ذکر شده است؛ گره‌گشایی از مشکل و برآورده کردن نیازهای مردم است. در حدیثی از ایشان آمده است: «خود را [برای خدمت] در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده و حوایج مردم را برآور.» (کلمه الامام المهدي (عج)، ص ۵۶۵) چرا که گره‌گشایی و حل مشکلات مردم از توصیه‌های مؤکد در متن روایات است.

● یک وقتی هم نوبت توست

حالش خوب نیست. هم کلاسی‌های می‌گویند: «مجنون شده.» می‌دانم که کار نیمه‌وقت، فرصت عاشقی بهش نمی‌دهد. به قول بی‌بی‌مزد کارگری و این حرف‌ها. لباس هایش درهم و برهم است. موهایش بلند و ژولیده، ریش هایش هم بلندتر از آن است که بشود پای مذهبی شدنش گذاشت یا زیر سیلی بردش کرد. یک‌باهیبی شده. استادها اعصابش را ندارند. استاد نظریه معادلات دیفرانسیل عادی به ظاهر غیرعادی‌اش بند می‌کند و راهش نمی‌دهد. «این چه سر و وضعی است که درست کرده‌ای برای خودت. تا اصلاح نکردی، حق نداری بیایی توی کلاس.» نمی‌آید. همان‌جا که ایستاده، درجا دور می‌زند و بیرون می‌رود. بچه‌ها می‌گویند: «استاد، عاشق شده، دست خودش نیست.» چند نفری می‌خندند. استاد چشم‌غره می‌رود. یک ساعت می‌گذرد، کلاس تمام می‌شود و نمی‌آید. هیچ‌جای دانشکده مهندسی نیست. یک ساعت می‌شود، یک هفته و بعد یک ماه نمی‌آید. بچه‌ها دارند فراموشش می‌کند که پیدایش می‌شود. با موهای مرتب، صورت تمیز و لیخند روی لب، با لباس‌های اتوکشیده، می‌نشیند ردیف اول کلاس نظریه معادلات دیفرانسیل عادی، استاد که می‌آید تمام‌قد مقابلش بلند می‌شود، چند قدم می‌رود و دستش را به نشانه احترام سمت استاد می‌گیرد: «نذرتان قبول شد آقا، بابام برگشت خانه»

چشم‌هامان چهار تا شده. استاد لیخند می‌زند و با او دست می‌دهد. تعجب کرده ایم. استاد رو به ما می‌گوید: «بفرمایید.» می‌فرماییم. بعد رو به او ادامه می‌دهد: «گفتم بهت این دنیا خیلی هم بی‌صاحب نیست، حساب و کتابی دارد. یک صاحب دارد.» او هیچی نمی‌گوید. فقط دست‌استاد را گرفته و تکان می‌دهد. استاد می‌خندد: «دیگه داری وقت کلاس را می‌گیری، برو بنشین. یک وقتی هم نوبت توست، حالا تو هم توی نذر فرج سهمی که حال رفیق‌ی را خوب کنی.»



شهرآرام
۵شنبه
۱۴
شماره ۱۴۱
۱۴ شهریور ۱۳۸۸

۱۴



حجت‌الاسلام والمسلمین حائری‌زاده در گفتگو با شهرآرا بیان کرد

راز در دانگی حسین بن علی (ع) برای عالمیان

آمنه مستقیمی!

عشق بی‌مثال و

عالم‌گیر به امام حسین (ع) بیش

از هر چیز ریشه در سیره و

سبکی از زندگی دارد که حضرت (ع)

برگزیدند و با آن سیر و سلوک خاص،

تا قیامت قلب‌ها را به عشق خود مبتلا

کردند. فرار سیدن سالروز ولادت باسعادت

ایشان در سوم شعبان المعظم، فرصتی

است مطلوب برای بررسی جلوه‌هایی

از آن سیره و سبک که در گفت‌وگو با

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی

حائری‌زاده، کارشناس و خطیب

مذهبی، به بحث و برر سی

گذاشته‌ایم و در ادامه

می‌آید.

یکی‌یک‌دانه اهل‌بیت(ع)

همسر، فرزند، خواهر، برادر و یاران رهسپار میدان دفاع از حق شدند و به سخت‌ترین شکل ممکن مورد آزمون و ابتلا قرار گرفتند.

یعنی به‌تنهایی برای اباعباد... (ع) ۸۳ زیارت انشا شده است. امام حسین (ع) تنها امامی هستند که زیارت اربعین دارند و نیز تنها امامی هستند که با همه نزدیکان شامل

دیگر ائمه (ع) یا آن‌ها را ندارند یا در وجودشان به این پرننگی و برجستگی نیست! از جمله این خصایص تعداد زیارت‌های وارده برای امام حسین (ع) است که به ۸۳ مورد می‌رسد،

حضرت سیدالشهدا (ع) به‌صریح زیارت عاشورا «اَلْوَرُّ الْمَوْتُورُ، هستند، به تعبیر عامیانه یعنی حسین بن علی (ع) یکی‌یک‌دانه اهل‌بیت(ع) هستند و خصوصیتی دارند که

تربیت بهنگام و مؤثر فرزندان

شش سالگی نماز شبشان ترک نشده بود! در روایات است که از شش، هفت‌سالگی بچه‌ها را به نماز عادت دهید تا در سن تکلیف برای پذیرش نماز دچار مشکل نشوند.

دینی را به فرزندان یاد داده بودند که در بزرگه‌اشورا فرزندان ایشان آن نقش‌های تاریخ‌ساز را ایفا کردند، چنان که در سیره حضرت علی اکبر (ع) است که ایشان از

را تربیت کرده بودند تا بدانند کجا باید گریه کنند تا امر دین پیش برود و کجا گریه نکنند تا حرف دین زده شود! حضرت سیدالشهدا (ع) به وقتش مبنایی

از وجوه امتیاز سیره و سبک زندگی حسینی (ع) تربیت‌فرزند است، امری که امروز جامعه ما به‌شدت به آن نیاز دارد، حضرت (ع) حتی درباره زمان و کیفیت گریستن، بچه‌ها

مناسبت‌ها از نام حسین (ع) شور می‌گیرند

است. از دیگر ویژگی‌های منحصر به‌فرد امام حسین (ع) وجود شفا در تربت حضرت (ع) است، درحالی‌که خوردن خاک حرام است اما خوردن تربت حسینی (ع) به‌قص‌شفا جاوز است.

گره خورده است و نیز آینده شیعه و جهان از طریق امید به آینده و مهدویت با حضرت سیدالشهدا (ع) پیوندی عمیق دارد، چنان‌که شعار یاران امام‌زمان (عج) «یا لثارت الحسین (ع)»

جمعه، شب عید غدیر، شب عید قربان و ... که حتی با زیارت‌های تک‌خطی و دوخطی از حضرت سیدالشهدا (ع) یاد می‌کنیم. علاوه‌بر این، عقبه فکری شیعه با امام حسین (ع)

از دیگر وجوه امتیاز و انحصاری حضرت اباعباد... (ع) پیوند بیشتر مناسبت‌های مذهبی با ایشان است، چنان‌که هر مناسبتی به‌نوعی با امام حسین (ع) گره خورده است، مثل شب‌های

قله‌های رفتاری در سیره حسینی(ع)

نیز در اوج بودند و به زیبایی با آن‌ها تعامل می‌کردند و می‌فرمودند: خانه‌ای که رباب و سکینه در آن نباشند، برای من مقبول نیست؛ ایشان در بحبوحه جنگ دست نوازش بر سر فرزندان می‌کشیدند، برای همین سیره است که از دل روضه‌های حسینی (ع) زیباترین مسائل عاطفی و ارتباط با خانواده ترسیم می‌شود.

رسیدگی به فقرا، مدارا با مردم، تعامل و فرزندان‌اش رفت، به خدا عرضه داشتند، که اگر ۷۰ هزار بار این واقعه عاشورا تکرار شود، من باز مطیع امر تو هستم. امام حسین (ع) در روابط اجتماعی نیز در سطحی بالا از مقبولیت بودند، هم به عنوان نوه پیامبر اکرم (ص) و هم به دلیل سیره ممتازی که داشتند، همچون

آن جنایاتی که در حق ایشان، یاران و فرزندانشان رفت، به خدا عرضه داشتند، چنان‌که اگر ۷۰ هزار بار این واقعه عاشورا تکرار شود، من باز مطیع امر تو هستم. امام حسین (ع) در روابط اجتماعی نیز در سطحی بالا از مقبولیت بودند، هم به عنوان نوه پیامبر اکرم (ص) و هم به دلیل سیره ممتازی که داشتند، همچون

امام حسین (ع) در ابعاد فردی، اجتماعی، خانوادگی، نظامی و... در اوج قرار داشتند، چنان‌که در حوزه فردی اهل عبادت و توجه بودند و با خدا رابطه‌ای ویژه داشتند، نقل است هر چه لحظه شهادتشان نزدیک می‌شد، آرامشان افزایش می‌یافت! توکل امام حسین (ع) نیز در بالاترین سطح است، چنان‌که در روز عاشورا با همه

نقطه عطف زیارت‌ها

آنچه

در زیارت

حضرت (ع) جامعیت دارد،

مسئله تولی و تبری است؛ یعنی

دوستی با خدا و اولیای او و دشمنی

با دشمنان خدا. باید توجه داشت همه صفات

نیکو در امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد،

فریضه‌ای که حضرت (ع) برای اقامه آن قیام کردند. امر

به معروف و نهی از منکر مطالبه‌گری است. تا مردم مطالبه

نکند تا اتفاقی نمی‌افتد. در این زمانه کسی که دین خود را نگاه

دارد، کاری مهم کرده است؛ بر اولیای فرهنگی جامعه

شامل آموزش و پرورش، آموزش عالی و نهادهای

فرهنگی است که به میدان جهاد تبیین ورود

کنند، کرسی‌های آزاداندیشی را راه

بیندازند و به شبهات و سؤالات

پاسخ دهند.

ابتکارات خاص نظامی

اداره

امور نظامی

از دیگر وجوه امتیاز سیره

حسینی (ع) است، مهندسی

خیمه‌ها از قدرت و ابتکارات نظامی

امام حسین (ع) حکایت می‌کند، همچنین

است رجزهایی که ایشان و یارانشان خوانده‌اند.

مقاومت و جهاد تبیین تا آخرین لحظه حیات در سیره

حسینی (ع) در اوج بود. ایشان برای قدرت و قهرمانی به

میدان جهاد و عاشورا وارد نشدند، ایشان به ما

وظیفه‌گرایی را یاد دادند. نه نتیجه‌گرایی را

تا بدانیم چه گشته شویم و در ظاهر شکست

بخوریم و چه پیروز شویم. در

هر دو صورت توفیق با ماست.

قمی‌که نشان سجده بر پیشانی‌اش می‌درخشد

در آغاز زیارت‌نامه ایشان، حضرت (ع) را با صفت ایمان و خدا باوری خوانده و در پایان، بر ایمان محض و بصیرت والای ایشان گواهی داده است: «گواهی می‌دهم تو لحظه‌ای از خود سستی نشان ندادی و برگشتی، بلکه مشی تو بر ایمان و بصیرت در دین رقم خورده بود.»

ادب و معرفت نیز در سیره قمر بنی‌هاشم (ع) در اوج است، چنان‌که هرگز برادرانشان را به اسم سرانجام به شهادت می‌رسد. «علاوه‌بر این، صد نکردند و آن‌ها را با تعبیر «مولای من!» و «سرور من!» خطاب می‌کردند. عباس بن علی (ع) در اوج ایمان و بصیرت قرار داشتند، امام صادق (ع)

او با این شمشیر، نفس دشمن را در سینه حبس می‌کند و بی‌امان بر آنان می‌تازد و سرانجام به شهادت می‌رسد. «علاوه‌بر این، صد نکردند و آن‌ها را با تعبیر «مولای من!» و «سرور من!» خطاب می‌کردند. عباس بن علی (ع) در اوج ایمان و بصیرت قرار داشتند، امام صادق (ع)

شیفتگی نه فقط شیعه، بلکه غیرمسلمانان به حضرت عباس بن علی (ع) را باید در اوصافی جست که ایشان را باب‌حوایج برای عالمیان کرده است. جنگاوری و شجاعت از جمله این اوصاف است، چنان‌که از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل است که فرمودند: «روزی را می‌بینم که